

## بسم الله الرحمن الرحيم!

### ضعف ملت ها و قوت الله سبحانه و تعالی

(ترجمه)

برخی مسلمانان در بحث و گفتگوی خویش بدین نظراند که برگشت حاکمیت اسلام با ایجاد خلافت بر منهج نبوت یک امر غیرممکن می باشد؛ زیرا آن ها استدلال می کنند که در این میان دولت های قوی و بزرگ؛ مانند: امریکا، کشورهای اروپائی، روسیه، چین و دیگر کشورها فوراً در حین تأسیس اش دست به تخریب آن زده و مانع آن می شوند.

عده دیگر این دیدگاه را ارایه می دارند که تحریک کردن ارتش های کنونی در پاکستان، ترکیه، مصر و یا دیگر ارتش های موجود در سرزمین های اسلامی، برای آزادسازی سرزمین های اشغالی و یا سرزمین هایی که اوضاع در آن پرخشونت و متشنج است و مردمان آن قتل عام می شوند؛ مانند: فلسطین، سوریه و کشمیر، یک انتحار سیاسی و نظامی می باشد. برای آن عده کشورهایی که اکثریت نفوس مسلمان را داشته و ادعا دارند که نتایج این گونه برخورد نظامی حتماً به شکست مواجه خواهد شد؛ چون در این حالت، کشورهای اسلامی نه تنها با کشورها بزرگ مبارزه دارند؛ بلکه با کشورهای دوست و هم پیمان غربی و شرقی نیز مواجه خواهند شد. ادعای اساسی آن ها این است که دولت بزرگ کنونی را هیچ دولتی مغلوب و شکست داده نمی تواند و تا ابد حاکم خواهند بود. این طرز دید، نشان دهنده دیدگاه های رهبران فعلی جهان است، از جمله دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا که در سال 2017م در جریان بحث خود درباره زرادخانه هسته ای آمریکا گفت: "ما امیدواریم که هرگز مجبور نباشیم از این قدرت استفاده کنیم؛ اما زمانی هم فرآن خواهد رسید که قدرت مندترین ملت جهان نباشیم."

هرگاه در بین خود مسلمانان تعدادی را به این گونه باور نسبت به آینده مسلمانان داشته باشیم حتماً نزد مردم مفکوره شکست طلبی جایگزین می گردد و مردم عادی همیشه به واقعیت حاکم تسلیم گردیده، تداوم ظلم، خشونت و کشتار را خواهند پذیرفت. مسلمانانی که با این طرز دید بزرگ می شوند؛ هرگاه در سرزمینی مردم خواهان تغییرات وضع موجوده شوند، آن ها تغییرات را از طریق ارگان های؛ مانند: سازمان ملل و یا از طریق روش های دیپلوماسی آن سازمان که با احزاب سیاسی مبارز می خواهند سازش نمایند، به میان آورند؛ زیرا مفکوره آن ها چنین است که واقعیت تباه کن موجوده را ملاک عمل قرار داده اند. ما بار بار شاهد کارکرد چنین سازمان ها در قبال حمایت خون بی گناهان بوده ایم که ناکام شده و به جای آن حاکمان ظالم، نظام و نهادهای ظالم را قدرت بیش تری داده اند و یا برعکس، این گونه احزاب و سازمان ها ابزاری اند که دولت های بزرگ برای تقویت وضع موجود، مطابق به حوزه نفوذ و سلطه خویش در جهان استفاده می کنند.

این چنین اندیشه های شکست پذیر از احساساتی که نتیجه اقدامات واقعیت های حاکم در جهان است، به وجود می آید. فرضاً پذیرفته شود که کشوری با قدرت نظامی بزرگ را نمی توان توسط کشور ضعیف تر شکست داد، آیا کنترل رویدادهای

سیاسی و نظامی؛ مانند: کنترل دانه‌های شطرنج است؟ مطمئناً این‌گونه طرز دید -تنها تکیه بر قوت نظامی- را رد می‌سازد. این است که عمل خارجی‌ای در جهان در پشت صحنه در عقب پیروزی و تداوم ملل وجود دارد که آن الله سبحانه و تعالی، ذات قوی، قادر و توانا می‌باشد. این واقعیت برای جهانیان در زمان ظهور و گسترش ویروس کرونا برجسته گردید. این مخلوق کوچک که حتی به چشم هم قابل رویت نیست رکود اقتصادی بزرگی را در جهان به وجود آورد. پیام کرونا برای آن طبقه درس عبرتی است که با چشمان باز ضعف ملل قوی را در مقابل قوت الله سبحانه و تعالی مشاهده کردند.

چنین درسی بار بار در قرآن کریم ذکر شده است که بسیاری از امت‌های گذشته و امپراتورهای بزرگ، گمان داشتند که از بین رفتن و شکست آن‌ها غیرممکن است و از هرگونه فروتنی و تسلیم شدن در پیش‌گاه الله سبحانه و تعالی امتناع ورزیدند و طغیان کردند؛ ولی الله سبحانه و تعالی به مؤمنین یادآوری می‌کند، تنها ذاتی که شکست‌ناپذیر است او سبحانه و تعالی است. چنان‌چه می‌فرماید:

﴿الْمَ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا  
الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَا هُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾ [الأنعام: 6]

**ترجمه:** آیا ندانسته‌اند که پیش از ایشان چه بسیار از ملت‌ها و اقوام را هلاک کردیم؟ که به آنان در پهنه زمین، نعمت‌ها و امکاناتی دادیم که به شما ندادیم و بر آنان باران‌های پی‌درپی و پر ریزش فرستادیم و نهرهای از زیر پای آنان جاری ساختیم [ولی ناسپاسی کردند]؛ پس آنان را به کیفر گناه‌شان هلاک کردیم و بعد از آنان اقوامی دیگر را پدید آوردیم.  
هم‌چنین فرموده:

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ [الأنعام: 11]

**ترجمه:** بگو: در زمین بگردید! سپس به تأمل بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟

و هم‌چنین فرموده است:

﴿الْمَ يَأْتِيهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ  
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [التوبه: 70]

**ترجمه:** آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند، به اینان نرسیده؟ خبر قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که پیامبران‌شان برای آنان دلایل روشن آوردند [ولی نپذیرفتند]؛ خدا بر آن نبود که به آنان ستم ورزد؛ ولی آنان بودند که همواره بر خود ستم می‌کردند.

پس داستان قوم عاد که در قرآن کریم آمده است نزدیک ترین مثال به واقعیت امروزی است که آنها فکر می کردند شکست ناپذیر اند. و قوم عاد اولین قوم بودند که پس از حضرت نوح علیه السلام بت پرستی را آغاز کردند و در اثر طغیان توسط طوفان بزرگ الهی تباہ شدند. طوریکه در سورت فجر می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ \* إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ \* الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾ [الفجر: 6]

**ترجمه:** آیا ندانسته‌ای که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ و با [آن شهر] ارم که دارای کاخ‌های با عظمت و ساختمان‌های بلند بود؟ همانا که مانندش در شهرها ساخته نشده بود.

امروزه قوت‌های بزرگ جهان در توانائی و سیطره برابر با قوم عاد نمی‌باشند؛ چون قوم عاد را رقیبی در جهان نبود، در تمام جهان هرچه می‌خواستند انجام می‌دادند و هیچ‌کس توان رقابت با آن‌ها را نداشت. از لحاظ اقتصادی قوم عاد دارای ثروت و رفاه کامل بودند که از جمله باغ و باغ‌چه‌های مختلف را در اختیار داشتند؛ طوری که دارائی آن‌ها چنان زیاد بود که در بالای کوه‌ها برای رقابت قصرها می‌ساختند که هیچ‌کس در آن‌ها زیست نداشت؛ فقط برای نمایشِ فخر و بزرگی خود ساخته بودند. از لحاظ کثرت و نفوذ الله سبحانه و تعالی به آن‌ها نسل بیش‌تر و جسدهای قوی و بزرگ داده بود. هم‌چنین الله سبحانه و تعالی این قوم را در ساختن شهرها مهارت و ذکاوت خوبی اعطاء کرده بود.

به هرحال با تمام نیروی که داشتند، آن‌ها را تکبر و کفر به الله سبحانه و تعالی فراگرفت و رسالت هود علیه السلام را که برای هدایت و عبادتِ الله وحده لاشریک له فرستاده شده بود، انکار کردند. ادعا کردند که بزرگ‌ترین و قوی‌ترین امت روی زمین‌اند و نیاز به هدایت کسی ندارند. چنان‌چه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ [فصلت: 15]

**ترجمه:** اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر کردند و گفتند: نیرومندتر از ما کیست؟ آیا ندانستند الله‌ای که آنان را آفرید از آنان نیرومندتر است؟ و [به گمان این‌که نیرومندتر از آنان وجود ندارد] همواره آیا ما را انکار می‌کردند.

آن‌ها به جای استفاده عاقلانه از قدرت خود برای کسب خیر، ظلم کردند و وحشیانه رفتار کردند. به همین دلیل الله سبحانه و تعالی باد بزرگی را بر آن‌ها فرستاده و آن‌ها را نابود کرد تا برای نسل‌های آینده نمونه‌ای از عبرت باشند که این تنها الله سبحانه و تعالی است که همه قدرت را در دست دارد و او قدرتمندترین و قادرترین ذاتی است که کارها را انجام می‌دهد و تصمیم می‌گیرد تا نشان دهد که ظهور و سقوط ملت‌ها تنها در کنترل او است. طوری که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكْنَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ \* سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ \* فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ﴾ [الحاقة: 6]

**ترجمه:** و اما قوم عاد با تندبادی بسیار سر و طغیان گر نابود شدند که الله آن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنان مسلط کرد و [اگر آن جا بودی] می دیدی که آنان مانند تنه های پوسیده و پوک درختان خرما روی زمین افتاده و [هلاک شده] اند.

این قوم بزرگ در چند روزی به قدرت الله سبحانه و تعالی توسط بادی که با چشم دیده نشده؛ بلکه تنها آثارش احساس می گردید؛ چنان نابود شدند که گویا اصلا نبودند. سبحان الله! در مورد الله سبحانه و تعالی در سوره مبارکه فجر عهد بسته است که نهایت سرکش ها، ظالمین و کافران همان تباهی است و الله هیچ گاهی اجازه نمی دهد در روی زمین سرکشی و معصیت تداوم یابد. چنان چه می فرماید:

﴿فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ \* فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ \* إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ [الفجر: 12]

**ترجمه:** و در آن ها فساد و تباہ کاری فراوانی به بار آوردند؛ پس پروردگارت تازیانه عذاب های گوناگون را بر آنان فرو ریخت. بی تردید پروردگارت در کمین گاه است.

و هم چنین فرمود:

﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [النحل: 61]

**ترجمه:** و اگر الله مردم را به سبب ستم شان مؤاخذه کند، هیچ جنبه ای را [که مستحق مؤاخذه است] بر روی زمین باقی نمی گذاشت؛ ولی آنان را تا مدتی معین مهلت می دهد؛ پس هنگامی که اجل شان سرآید، نه ساعتی پس می ماند و نه ساعتی پیش می افتد.

قانون الله سبحانه و تعالی در گذشته در برخورد با حاکمان و ملل ستم گر که حق را رد می کردند، فساد را گسترش می دادند و مؤمنین را عذاب می دادند، همین است. چنان چه ما دیدیم که چگونه الله سبحانه و تعالی نمود پادشاه ظالم را که فکر می کرد پروردگار جهانیان است، توسط موجودی کوچک مانند یک پشه از راه سوراخ بینی و به مغز او رسید، نابود کرد. ما دیدیم که چگونه پیامبر خود داود علیه السلام را توفیق داد تا با یک ضربه ای از یک سنگ کوچک، فرمانده بزرگ و قدرت مند فلسطین را که نافرمانی الله را می کرد کشت و از بین برد. ما شاهدیم که فرعون یک امپراتوری بزرگ را اداره می کرد، با ارتش خود در دریا چگونه غرق ساخت. هم چنین شاهدیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم تنها به کمک الله خود کفار قریش را در غزه بدر شکست داد.

تاریخ شاهد است که مسلمانان در خلافت عمر بن خطاب رضی الله عنه چگونه امپراتوری بزرگ فارس را که از نگاه تعداد و تجهیزات قوی تر بودند، در معرکه قادسیه شکست دادند؛ طوری که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هَلْ نُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا﴾ [مریم: 9]

**ترجمه:** چه بسیار ملت‌ها پیش از آنان [به سبب طغیان‌شان] هلاک کردیم، آیا کسی از آنان را می‌یابی، یا هیچ زمزمه و صدای آهسته از آنان می‌شنوی؟

درحالی که امم و امپراتورهای گذشته از نگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی از دولت‌های امروزه بزرگ‌تر بودند. طوری که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿أُولَٰئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَأَنؤا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾ [فاطر: 44]

**ترجمه:** آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند سرانجام کسانی پیش از اینان زندگی می‌کردند و از اینان نیرومندتر بودند، چگونه بود؟ و هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که بتواند خدا را عاجز کند [تا از دسترس قدرت او بیرون رود]؛ زیرا او همواره دانا و تواناست.

تمام این موارد درس مستمری است برای بنی بشر و مبین این است که قوت و قدرت تنها از آن الله است و پیش‌رفت و تمدن بشر هر قدر هم بزرگ و قوی باشد؛ هرگاه الله سبحانه و تعالی نابودی آن‌را بخواهد با تمام امکان‌اش نابودش می‌سازد. این پندی است برای مومنین که هرگاه الله نصرت خود را شامل حال مومنین بسازد، هیچ قوت سیاسی، نظامی و اقتصادی آن‌را جلوگیری کرده نمی‌تواند.

با موجودیت این چنین شواهدی، اکنون هم برخی مسلمانانی یافت می‌گردد که پیروزی مسلمانان بر دشمنان خویش را افسانه‌های گذشته و تنها شایان حال رُسل و صحابه آن زمان می‌دانند و بالای مسلمانان عصر کنونی منحنی مثال و عبرت استفاده نمی‌کنند که با حوادث سیاسی موجود می‌توانند مبارزه کنند. اما در طول زمان ما شواهدی داریم که مسلمانان پس از عصر خلفای راشدین و صحابه در خلال حکمرانی بقیه خلفاء و یا حکام مسلمین هم پیروزی‌های قهرمانانه‌ای داشتند که چنین تصورات منطقی را کاملاً نفی می‌سازد؛ به عنوان مثال: پیروزی بزرگی که مسلمانان در برابر صلیبیون به رهبری قهرمان بزرگ سلطان صلاح‌الدین ایوبی در زمان خلافت عباسی به دست آوردند که منجر به آزادسازی سرزمین مبارک فلسطین و مناطق اطراف آن از چنگال صلیبیان گردید و در دل تاریخ منحنی عبرت دیگران ثبت گردید؛ طوری که در سومین جنگ صلیبی که منجر به نبرد مشهور حطین و آزادسازی بیت‌المقدس گردید، در آن جنگ آلمان، فرانسه و انگلیس اتحادی را تشکیل داده بودند که شامل یک ارتش بزرگی به رهبری پادشاهان آن‌ها بود و در تلاش باز پس‌گیری بیت‌المقدس متحد شده بودند، همه ناکام گردیدند.

در این نبرد برخی تحقیقات حاکی از آن است که ارتش آلمان به تنهایی اش حدود 300000 سرباز داشته است - که این رقم در آن زمان خیلی زیاد و بالایش حساب می‌شد. صلاح‌الدین با وجود داشتن تعداد ارتش کم در مقایسه با اتحاد صلیبیون؛ اما با آن هم توانست از بیت‌المقدس دفاع کند؛ چون وی عقیده کامل داشت براین که دفاع از بیت‌المقدس دفاع امر و دستور الله سبحانه و تعالی است و این سرزمین در اسلام سرزمین مبارکه و قابل احترام به شمار می‌آید. قدرت و نصرت الله سبحانه و تعالی در این جنگ از آن جا معلوم می‌گردد که گزارش شده است که وقتی ارتش صلیبی آلمان به سمت شام در حرکت بود، پادشاه آن‌ها فریدریک بارباروسا درگذشت و سپس در بین ارتش بیماری‌ها و اختلافات گسترش یافت، تا آن لحظه که ارتش برای مقابله با صلاح‌الدین به شام رسید، از آن جمله تعداد چند صد سرباز باقی ماند که به اثر ضعف و ناتوانی از بین رفتند. هم‌چنین در این معرکه یکی از کمک‌های الهی این بود که فیلیپ دوم پادشاه فرانسه در زمان محاصره شهر عکا بیمار شد و با ارتش خود به فرانسه بازگشت و پادشاه انگلیس ریچارد را در برابر صلاح‌الدین تنها گذاشت. هم‌چنین ارتش ریچارد از شدت گرمی و کمبود آب آشامیدنی رنج می‌بردند و شب هنگام لشکری از عنکبوت‌های زهری آنان را نیش زد. پس در هنگامی که شهر قدس در چند متری چشم دید آن‌ها قرار داشت تنها 2000 سربازی باقی مانده بود که توان جنگ و تصرف شهر را نداشتند. الله اکبر! پس این یک درس بزرگی است برای مسلمانان که الله سبحانه و تعالی حامی و ناصر کسانی است که در پی بازگشت اسلام می‌باشند.

در خلال تاریخ اسلام شاهد چندین پیروزی بودیم؛ هرزمانی که مسلمانان برای اعلاء دین الله و اجابت به اوامر او سبحانه و تعالی و برای دفاع از اسلام و مسلمانان برخواسته بودند؛ باوجود قلت عدد و ضعف نظامی در مقابل دشمن خویش، الله سبحانه و تعالی مسلمین را نصرت داده است. به طور مثال در قرن 13م قبیله تاتار که انسان‌های وحشی‌ای بودند با هجوم بر خلافت اسلامی، خلیفه را اسیر و قتل نمود و تقریباً سه ربع سرزمین‌های اسلامی را اشغال کردند و زمانی که آن‌ها به سمت مصر آخرین مرکز اسلامی حرکت کردند، تاتار به حاکم مصر محمود سیف‌الدین قطز نامه‌ای نوشته و در آن گفتند: "سرزمین‌های اسلامی را تصرف، اطفال را یتیم، انسان‌ها را جزای سخت و قتل عام کردیم و انسان‌های عزیز آن را ذلیل و رهبران آن‌ها را اسیر گرفتیم؛ پس تو چه فکر می‌کنی به کجا فرار خواهی کرد؟" قطز از مسلمانان، علماء و خلیفه مسلمین برای دفاع اسلام و سرزمین اسلامی کمک خواست و آن‌ها را به یک پارچگی فراخواند. همان بود که در نبرد عین جالوت تحت فرمان دهی وی در ماه مبارک رمضان مسلمانان در مقابل تاتار پیروزی بزرگی را به دست آوردند. آن‌چه که قطز را در آزادسازی چندین سرزمین اشغال شده خلافت اسلامی مساعدت نمود، همان مبارزه برای دفاع از اسلام بود؛ نه هدف شخصی. مثال‌های زنده در طول تاریخ خیلی زیاد است. زمانی که مسلمانان برای الله و استجابت به اوامر او برخواسته‌اند با وجود قلت نفوذ، الله سبحانه و تعالی آن‌ها را نصرت داده باشد، خیلی زیاد است.

برعلاوه برای تحقق نصرت در مقابل دشمنان، وجود رسول، صحابه و هم‌چنین توازن قدرت هیچ شرط نصرت نمی‌باشد. طوری که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَا مَنَ فِتْنَةَ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقره: 249]

**ترجمه:** ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکنندهٔ الله اند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق الله بر گروه بسیاری پیروز شدند و الله با شکیبایان است.

کفار همیشه اصطلاحات توازن قوی؛ یعنی توازن قدرت سیاسی و نظامی را شرط پیروزی در میدان جنگ و سیاست جهان به کار برده‌اند. اما همیشه ضرور نیست طرز تفکیر مسلمانان همین‌گونه باشد؛ چون ما می‌دانیم که الله سبحانه و تعالی به اساس منطق و قضاوت فکر محدود بشری نصرت نمی‌دهد؛ بلکه الله سبحانه و تعالی برای اعطاء نصرت، قضاوت و مبدء معین خویش را دارد که آن عبارت از پیروی مسلمانان از اوامر الله سبحانه و تعالی، توکل بر آن و سعی برای نصرت دین اسلام است! طوری که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: 7]

**ترجمه:** ای مؤمنان! اگر الله را یاری کنید، الله هم شما را یاری می‌کند و گام‌های‌تان را محکم و استوار می‌سازد.

هم‌چنین در زمان خلافت اسلامی نیز شاهد بودیم که هرگاه مسلمانان برای تطبیق اسلام و تحقق وحدت صفوف پیکار کردند، مطابق به وعده، الله خلافت اسلامی را قوی‌ترین دولت نگهداشت. تا آن‌جا که قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی‌اش تمام دنیا را فراگرفته دشمنان اسلام از آن ترسیدند و پیروزی‌های پی‌درپی را به دست آوردند تا این‌که سرحدات آن مناطق زیادی را در برگرفت- از اسپانیه تا آسیای میانه-؛ ولی زمانی که مسلمانان در آموختن، فهم و تطبیق اسلام در چوکات دولت خلافت تنبلی و سستی کردند و به جای آن افکار بیگانه‌گان را از مبادی دیگران اخذ کردند، سرزمین‌های اسلامی پراکنده شده و دولت اسلامی به ضعف گرائید. کار به جای رسید که سرزمین‌های اسلامی آله بازی و نقطه بحث در کنفرانس‌های اشغال‌گران قرار گرفت و دروازهٔ آن بروی حملات نظامی، تقسیم و استعمار سرزمین و ریختاندن خون مسلمانان باز گردید.

قرآن، سیرت و تاریخ اسلامی به ما درس‌ها و اندرزهای را می‌دهد که می‌بایست بر اساس آن مفکوره و قناعت‌های خویش را بنا نهیم و این‌که اقامهٔ نظام الهی؛ یعنی خلافت اسلامی حتماً به کمک الله متعال تأسیس خواهد گردید، صرف نظر از قدرت و پیشرفت دول جهان؛ چون دین ما به ما امر داده است که در هر حالت از رب خویش اطاعت نمائیم و به قدرت و راستی دین خویش ایمان داشته باشیم. بنابراین، اعتماد کامل داشته باشیم براین‌که ارتش‌های اسلامی می‌توانند برادران و خواهران رنج‌دیدهٔ خویش در سوریه، فلسطین، کشمیر، چین، میانمار و دیگر سرزمین‌ها را نجات دهند، صرف نظر از حجم ارتش‌های آن سرزمین‌ها؛ چون ارتش‌های ما تنها به این امر الله سبحانه و تعالی لبیک می‌گویند: دفاع از زندگی و سرزمین‌های مسلمانان. این‌گونه باورها و یقین‌ها با اصطلاحات و حرف‌های گره خورده است که بارها ما آن را تذکر داده‌ایم؛ ولی کم‌تر کسانی‌اند که معنی و مفهوم آن را درک کنند- لاجول ولا قوه الا بالله! در این شکی نیست که الله سبحانه و تعالی نصرت‌اش را به آنانی اعطاء می‌کند که دین‌اش را نصرت می‌دهد. در مورد فرموده است:

﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ \* تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [البقره: 251]

ترجمه: و اگر الله [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می گرفت؛ ولی الله نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.

د. نسرین نواز

رئیس بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: عبدالحمید سلیمی